

معرفی چند کتاب پژوهشی حاصل از اسناد و مدارک

نقد و بررسی

اسناد هیئت‌های باستان‌شناسی در ایران
(۱۲۵۴-۱۳۵۴ ش.) به کوشش مرضیه یزدانی،
تهران، سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد،
۱۳۸۱، ۳۸۶ ص، وزیری (شمیز)، ۲۰۰۰ تومان، چاپ
اول، ۳۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Records on The Archaeological
Missions in Iran (1875-1966)

باستان‌شناسی و گرایش اروپاییان به میراث و
گنجینه‌های ممالک دیگر، به‌ویژه شرق، از جهات
گوناگونی قابل بررسی است. درواقع این مسئله نیز،
همانند تمامی جریانهای تسری یافته از غرب به
شرق، دارای رویه‌ای چندگونه است که شایسته توجه
و تامل است.

باستان‌شناسی و حفاری در ایران، از دوره
ناصرالدین شاه تا به حال، چه به لحاظ زمانی و چه به
لحاظ ماهوی، افراد، فعالیتها، انگیزه و کنشها و...
مراحل بسیاری پشت سر گذاشته و دارای جنبه‌های
گوناگونی گردیده است.

تا پیش از آشنایی ایرانیان با مفهوم نوین
باستان‌شناسی، ذهنیت آنان از میراث گذشته، تعبیر
قدیمی گنج و ثروت‌های زیرزمینی و آمیخته به
افسانه‌ها و خرافات بود که در ادبیات کهن و حتی
معاصر ایران، جلوه‌های فراوان دارد.

به سخن دیگر، تا پیش از کاوشهای
باستان‌شناسی، برداشت علمی از موضوع کاوشگری
وجود نداشته و صرفاً کشف «دفینه» و «گنج» و
مسکوکات طلا و نقره، موردنظر بوده است. تکوین و
گسترش فعالیت‌های باستان‌شناسان به خصوص

معرفی سه عنوان کتاب
پژوهشی پژوهشکده اسناد
سازمان اسناد ملی ایران

جهت آشنایی بیشتر خوانندگان و علاقه‌مندان به
فعالیت‌های پژوهشی اسناد و مدارک و نیز اهمیت بررسی
آنها و تبدیل آن به کتاب، سه عنوان کتاب که اخیراً در
نتیجه تلاش محققان اسناد چاپ و منتشر شده است
معرفی می‌شود.



کرد. ناصرالدین شاه، در سفر سوم خود به فرنگستان، در سال ۱۸۸۹ م. / ۱۳۰۶ ق. از موزه لوور و آنچه دیولافوا از ایران خارج ساخته بود، بازدید کرد. سپس در ۱۲ ماه مه ۱۸۹۵ م. / ۱۶ ذی قعدة ۱۳۱۲ ق. قرارداد دیگری بین ناصرالدین شاه و «رنه دوبالوا»، سفیر فرانسه در تهران، منعقد شد. این قرارداد، امتیاز انحصاری کاوشهای علمی را در تمام مناطق ایران به فرانسه تفویض کرد.

پس از درگذشت ناصرالدین شاه، فرانسویان نتوانستند به خوبی از قرارداد ۱۳۱۲ ق. استفاده کنند و وزیر فرهنگ فرانسه به «ژاک دومرگان»، که ریاست اداره باستان‌شناسی مصر را برعهده داشت، مأموریت داد به ایران آید و در شوش حفاری کند.

در یازدهم اوت ۱۹۰۰ م. مظفرالدین شاه، در پاریس انحصار دایمی و همگانی کاوشها و خارج ساختن اشیای باستانی را در سرتاسر کشور، به باستان‌شناسان فرانسوی واگذار کرد. محتوای اسناد مربوط به این دوره نیز، بیانگر خارج کردن بسیاری از اشیای باستانی بدون تفتیش عاملان آن است. در ۲۵ مهر ۱۳۰۶ ش. قوانینی در جهت شکستن انحصار فرانسویان در مجلس به طور جامع و کامل مطرح شد. مجدداً سهم ایران از میان کشفیات باستان‌شناسی، مورد توجه قرار گرفت و از آن پس، علاوه بر فرانسه، هیئتهای علمی حفاری دیگری از انگلیس، آلمان و آمریکا وارد ایران شدند که بیشترین اسناد این کتاب، مؤید حضور این هیئتهاست. از آن جا که بررسی این مسائل، پژوهش مستدل و مستند تاریخی می‌طلبید، سازمان اسناد ملی ایران، با انتشار اسناد مربوط به هیئتهای مختلف باستان‌شناسی خارجی زمینه را برای بررسی علل گرایش اروپاییان به شناخت آثار عتیقه فراهم ساخته است.

پژوهش در تاریخچه باستان‌شناسی در ایران، نقش ممالک اروپایی را در شناخت شئون باستانی و فرهنگ چند هزار ساله ایران، نمایان می‌سازد. همچنین، خود موضوعی حساس است که پرداختن به آن با اتکا به اسناد تاریخی، بسیاری از نقاط مبهم در شناخت مناسبات فرهنگی روشن می‌سازد.

باستان‌شناسان غربی، از زمانی آغاز شد که تفکر چیرگی بر طبیعت و سودجویی، دستیابی به دفینه و دست‌اندازی به میراث گذشتگان، مورد توجه قرار گرفت. برای نیل به این هدف، مطالعه گذشته انسان اهمیت یافت؛ و به منظور دستیابی به آن، فنون مختلفی ابداع گردید. یکی از این فنون، دانش باستان‌شناسی بود که به تحقیق در تاریخ فرهنگ، از طریق بقایای مادی پرداخت و در این راه، متکی به مدارکی گردید که جوامع انسانی، ناخودآگاه یا خودآگاه، از خویش برجای گذاشته بودند.

ترویج علوم و افزایش عده شایق به کاوشهای باستان‌شناسی در اروپا، حوزه علمی و مطالعات گسترده‌تری را می‌طلبید. به این ترتیب، کاوشهای باستان‌شناسی در مشرق‌زمین به سرعت مورد توجه قرار گرفت و عواملی چند، باعث گسترش آن گردید. برای تحمل مشقات بسیار در این راه و مطالعات دامنه‌دار در تمامی مشرق‌زمین، می‌بایست چیزی بیش از انگیزه‌های شخصی و شائبه‌های سودجویانه وجود می‌داشت. از جمله آنها می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱. تلاش دول اروپایی در جهت استیلا بر مشرق‌زمین، در سده‌های هیجدهم تا بیستم میلادی؛

۲. گسترش تسهیلات عبور و مرور و دسترسی به وسایط نقلیه و راهها؛

۳. پیشرفت ابزار و ادوات فنی و فناوری حفاری از نیمه دوم سده هفدهم، یکصد و چهل و هفت سفرنامه، آن هم تنها به قلم جهانگردان فرانسوی نوشته شده که پنجاه و دو دوره از آن سفرنامه‌ها درباره ایران بوده و حاوی مطالب متنوع درباره کتیبه‌ها و آثار باستانی ایران است.

همان‌طور که گفته شد، باستان‌شناسی و حفاری در ایران، از دوره ناصرالدین شاه شروع شد و اولین اقدام برای کشفیات علمی در منطقه شوش، در اوایل سال ۱۸۸۵ م. / ۱۳۰۲ ق. به عمل آمد. در همین سال، «مارسل دیولافوا» اجازه حفاری در شوش را گرفت و اشیای عتیقه‌ای را نیز به کشورش منتقل

اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران، دفتر چهارم (محمدعلی جمالزاده) گردآوری و پژوهش: علی میرانصاری، تهران، سازمان اسناد ملی ایران (پژوهشکده اسناد)، ۱۳۸۱، ۵۹۲ ص، مصور و دارای نمونه اسناد. فهرست مطالب، شامل: پیشگفتار و مقدمه، زندگینامه محمدعلی جمالزاده، نقد و معرفی آثار و متن اصلی اسناد (در سه بخش).



نام محمدعلی جمالزاده، برای بسیاری از دوستداران تاریخ و فرهنگ ایران، تداعی‌کننده داستان‌نویسی معاصر ایران، فرهنگ مردم ایران و تحقیقات ادبی است و کتاب حاضر، توانسته است در حد شایسته‌ای به این مهم بپردازد.

سیدمحمد علی جمالزاده، بنیانگذار داستان‌نویسی در ایران، به سال ۱۲۷۰ ش. / ۱۳۰۸ ق. در شهر اصفهان دیده به جهان گشود. پدرش سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، از خاندان صدر لبنان، خطیبی چیره‌دست بود که وعظ و خطابه خود را، همسو با حرکت‌های ضداستبدادی و مشروطه‌خواهی مردم ایران به کار می‌گرفت. نخستین سال‌های زندگی جمالزاده، در اصفهان سپری شد. در سال ۱۲۸۰ ش. / ۱۳۱۸ ق. پس از تهدید پدرش از طرف ظل‌السلطان، حاکم اصفهان، او

و خانواده‌اش راهی تهران شدند و همین سال، یکی از مهمترین سال‌های زندگی جمالزاده بود. او با اوج‌گیری حرکت‌های مردمی در بسیاری از مجالس خطابه پدر و حتی در مجلس ملاقاتش با محمدعلی شاه شرکت داشت.

جمالزاده، در بهار ۱۲۸۶ ش. از طرف پدرش، برای تحصیل راهی لبنان شد و در مدرسه لازاریست عین‌پوره، تحصیلات متوسطه خود را آغاز کرد. چند ماهی نگذشته بود که پدرش به دست مأموران محمدعلی‌شاه دستگیر و در زندان بروجرد، مسموم (یا خفه) گردید.

در سال ۱۲۸۸ ش. جمالزاده، تحصیلات متوسطه را به پایان رساند و راهی اروپا شد. ابتدا در دانشگاه لوزان سوییس به تحصیل حقوق پرداخت. پس از مدتی این دانشگاه را رها ساخت و در فرانسه، در دانشگاه دیژون مشغول تحصیل شد. تحصیلات خود را در نوامبر ۱۹۱۴ به پایان رساند. در همین فاصله، حوادث بی‌شماری در ایران رخ داده بود که مهمترین آنها گلوله‌باران مجلس به دستور محمدعلی شاه در سال ۱۹۰۸، توقف مقطعی انقلاب مشروطیت، خلع محمدعلی شاه از حکومت، به سلطنت رسیدن احمدشاه، اشغال شمال، جنوب و غرب ایران به دست روس، انگلیس و عثمانی بود.

فعالیت‌های جمالزاده از سال ۱۳۳۴ ق. بیشتر به نوشتن و تحقیق گرایید. و در سال ۱۲۹۵ ش. نخستین اثر خود را به نام «گنج شایگان» در برلن منتشر ساخت. چند سال بعد، یعنی پس از کودتای رضاخان با چاپ داستان «فارسی، شکر است» در روزنامه کوه، نخستین حرکت داستان‌نویسی را در تاریخ ادبیات ایران به نام خود ثبت کرد. وی از سال ۱۳۱۰ ش. ژنو را برای اقامت برگزید و در همین سال به استخدام دفتر بین‌المللی کار در ژنو درآمد و پس از ۲۵ سال، در سال ۱۳۳۵ ش. بازداشت شد و در اردیبهشت همان سال با مارگرت ازدواج کرد.

جمالزاده، پس از اقامت در ژنو، فعالیت‌های خود را بر محور تدریس در دانشکده ادبیات آن شهر و نوشتن و تحقیق متمرکز کرد. شمار نوشته‌هایش به دهها کتاب و صدها مقاله می‌رسد. او، سرانجام پس از صدوندی سال، در ۱۷ آبان ۱۳۷۶، در خانه سالمندان ژنو درگذشت.

شالوده تهیه و تدوین کتابی مستند درباره مرحوم

جمالزاده، از سالها قبل ریخته شد؛ وقتی که مسئولان وقت سازمان اسناد ملی ایران، در تابستان سال ۱۳۶۹، در سویس با جمالزاده ملاقات و دیدار کردند. در همان موقع، آن مرحوم، تصمیم گرفت که تمامی اوراق، اسناد و دستنوشته‌های خود را به سازمان اسناد ملی ایران هدیه کند و در یادداشتی، که به تعبیری وصیتنامه او به شمار می‌رود، این چنین نوشت:

«هوالباقی»

«این حقیر، سیدمحمدعلی جمالزاده، در عین صحت و استقامت مزاج، اظهار می‌دارد که پس از وفات، قوطیهای مقوایی، یادداشتها و خاطرات گوناگونم و دفترچه‌های خاطراتم، به توسط سرکنسولگری دولت جمهوری اسلامی ایران در ژنو، به سازمان اسناد ملی ایران، واقع در تهران، تعلق خواهد گرفت و امیدوارم که با توفیقات الهی و کمک و لطف هموطنان دانشمند و بلندمتم، طرف توجه قرار بگیرد و قسمتهای مفید و ارزشدار آنها راه به صورت کتاب و حتی المقذور به خط نستعلیق ممتاز، به چاپ برسانند و به قیمت ارزان، به هموطنانم بفروشند و برای من به عالم محشر رفته، طلب آموزش فرمایند آمین.»

به هر حال، دفتر چهارم از مجموعه کتابهای مشاهیر ادب معاصر ایران به سیدمحمدعلی جمالزاده تعلق گرفت و درخور مقام علمی آن نویسنده توانا، اسناد و یادداشتهای او، که از نظر تاریخ ادبیات معاصر و تاریخ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و رجال‌شناسی بسیار حایز اهمیت است، به زیور طبع آراسته شد.

اسنادی که در این کتاب گرد آمده شامل اسناد شخصی و اداری جمالزاده و مکاتبات بسیار مهم او با رجال سیاسی، فرهنگی و ادبی است. کسانی چون تیمورتاش (وزیر دربار)، علی‌اکبر سیاسی، عبدالله انتظام، ابوالقاسم انجوی شیرازی، مرحوم غلامحسین یوسفی، محمد قزوینی، سیدحسن تقی‌زاده، محمد معین، بزرگ علوی، صدیق اعلم و... در این مکاتبات طرف خطاب او بوده‌اند.

در ارزیابی کلی از کتاب اسناد مشاهیر (دفتر چهارم) می‌توان گفت که مجموعه مزبور، یکی از منابع معتبر و درجه اول تاریخ ادب معاصر است و از جنبه‌های مختلف تاریخی، فرهنگی و سیاسی، دستمایه پژوهشگران تلاشگر خواهد بود.

سیاست و لباس (گزیده اسناد متحدالشکل شدن البسه ۱۳۰۷-۱۳۱۸ به کوشش سیدمحمدحسین منظورالاجداد، تهران، سازمان اسناد ملی ایران (پژوهشکده اسناد)، ۱۳۸۰، ۲۸۲ صفحه + نوزده ص، پیش‌گفتار، مقدمه، اسناد، فهرس، تصویر، تعداد ۳۰۰۰ جلد، قطع وزیری، جلد شومیز، ۱۵۰۰ تومان.

کتاب حاضر یکی از آثار به چاپ رسیده در موضوع اتحاد شکل البسه و پیامدهای آن است. پیش از این سه کتاب در این باره منتشر شده بود:

۱. خشونت و فرهنگ اسناد محرمانه کشف حجاب (انتشارات سازمان اسناد ملی ایران،

۱۳۷۱)،

۲. واقعه کشف حجاب (انتشارات

سازمان ملل، فرهنگ انقلاب

اسلامی)

۳. تغییر لباس و کشف حجاب به

روایت اسناد (انتشارات مرکز بررسی

اسناد تاریخی وزارت اطلاعات)

در این اثر، بخشی از اسناد

طبقه‌بندی شده موجود در سازمان اسناد

ملی ایران مورد مطالعه و بازنویسی قرار

گرفته است. نویسنده به این نکته اشاره

می‌کند که بسیاری از اسناد به ویژه اسناد

مربوط به استاتها هنوز به مرحله

فهرست‌نویسی و تعیین مضمون و

محتوا نرسیده است و امکان بهره‌گیری

از آنها نیست.

«قانون متحدالشکل کردن البسه اتباع ایران در داخله مملکت» در سال ۱۳۰۷ شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید و طی آن مقرر شد «کلیه اتباع مذکور ایران» ملبس به لباس متحدالشکل شوند. در ماده دوم این قانون هشت گروه از پوشیدن لباس یکسان معاف شدند که نخستین آنها مجتهدان صاحب اجازه از مراجع مسلم تقلید بودند. اجرای این قانون که در راستای سیاست فرهنگی حکومت وقت بود موجب واکنشهای مختلفی شد. اسناد موجود در این اثر، نحوه اجرای این قانون و چگونگی برخی از مقاومتها را نشان می‌دهد و پرده از فشارها و برخوردهای غالباً شدید کارگزاران حکومتی برمی‌دارد.

اسناد مورد مطالعه در سه بخش کلی ارائه شده است: ۱. قوانین و بخشنامهها (ص ۱-۱۰)، ۲. اسناد عمومی و گزارشها (ص ۱۱-۲۱)، ۳. اسناد مربوط به استاتها و شهرستانها که شامل آذربایجان شرقی، تبریز، اصفهان، شهرضه، شهرکرد، بروجرد و چهارمحال، بندر جنوب تهران، خراسان و سیستان، سمنان، فارس، کاشان و نطنز، کردستان، کرمانشاه، گرگان، گیلان، مازندران و یزد (۲۳-۲۵۲) است. در مقدمه نویسنده توضیحات اساسی و کلی هدف از اجرا چگونگی اجرای قانون مذکور، همچنین واکنشهای مختلف صورت گرفته به‌ویژه از سوی روحانیت را ذکر کرده است.

